

بررسی جایگاه آیینی بز در غرب و جنوب غرب ایران بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی

رقیه جلیلیان^۱

چکیده

بررسی‌های باستان‌شناسی در چند دهه اخیر حاکی از این است که بر علاوه بر اهمیت زیستی، فرهنگی، معیشتی دارای اهمیت ماورایی برای انسان بوده و نقش آئینی بسیار مهمی برای انسان در گذشته داشته است. در این مقاله به بررسی جایگاه مذهبی بز در غرب و جنوب غرب ایران در بازه زمانی هزاره سوم و چهارم پ.م با توجه به داده‌های باستان‌شناسی و تحلیل‌های نمادشناسی می‌پردازیم. در چهارچوب مفهومی این نوشتار ابتدا به پیشینه مطالعاتی در این زمینه پرداخته و سپس به اختصار اهلی سازی، انگیزه‌های اهلی سازی و به خصوص اهلی سازی بز پرداخته می‌شود و سپس اهمیت بز در غرب و جنوب غرب ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد، در نهایت تجزیه، تحلیل و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: اهلی سازی بز، آیین، جنوب غرب و غرب ایران، مطالعات فرهنگی.



The Ritual Significance of Goats in Western and Southwestern Iran Based on Archaeological Findings

Abstract:

Recent decades of archaeological research indicate that goats, beyond their biological, cultural, and subsistence importance, held supernatural significance for ancient humans and played a critical ritualistic role in the distant past. This article examines the religious status of goats in western and southwestern Iran, focusing on archaeological data and symbolic analyses. Within the conceptual framework of this paper, first the research background in this field is addressed, then a brief discussion on domestication, the motivations behind domestication, with a particular focus on goat domestication is presented, the significance of goats in western and southwestern Iran is argued and finally, a detailed analysis and conclusion is presented.

Keywords: Goat Domestication, Ritual, Southwestern and Western Iran, Cultural Studies.





در طول حیات انسان، وجود رابطه میان او و حیوان، منجر به ایجاد رابطه تنگاتنگی با حیوانات شده که در مواردی نیز جنبه قدسی پیدا کرده است. برخی ویژگی‌های حیوانات از قبیل سرعت، درنده خوئی، باروری، ارزش یا زیبایی، باعث شده که مورد تکریم انسان‌ها قرار بگیرند و رفتار آنها باعث ظهور برخی نمادها در فرهنگ انسان گردیده است (محمدی بدر و اقدم قوام الدینی، 1394: 184). در طول حیات کره زمین، حیوانات در معرض عوامل مختلفی مانند انتخاب طبیعی، رانش ژنتیکی و جهش‌های متعدد قرار گرفته‌اند، بنابراین چنین عواملی باعث ایجاد تغییرات بین گونه‌ای و درون گونه‌ای شده‌اند. جهش‌های ژنتیکی که در جمعیت‌های حیوانات اهلی رخ می‌دهند، باعث ایجاد شایستگی‌هایی در حیوانات حامل آنها شده و در نتیجه این حیوانات نتایج بیشتری خواهند داشت. چنانچه یک جهش جدید باعث افزایش شایستگی افراد حامل آن نسبت به سایر افراد جامعه شود، انتخاب باعث می‌شود افرادی که دارای شایستگی بیشتری هستند در تشکیل نسل بعد شانس مشارکت بیشتری داشته باشند (بی غم و همکاران، ۱۴۰۱: ۱). مدارک موجود، تحول دامداری کوچ‌نشینی از دوران نوسنگی در مناطق مرتفع در گزارش کاوش‌ها و بررسی‌ها ثبت شده‌اند. پرورش دام بی‌شک بنیادی‌ترین راه امرار معاش کوچ‌نشینان است. در این اقتصاد متحرک، ذخیره و جابه‌جایی «ثروت» با خود دام‌ها انجام می‌گرفت؛ وضعی که حمل، ذخیره، مصرف و به‌ویژه مبادله کالای دامداری را بسیار آسان‌تر از فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی می‌کرد. برخلاف شیوه معیشت کشاورزی، که مشارکت بیشترین اعضای جامعه را طلب می‌کند، جوامع کوچ‌نشین نیازی به این مشارکت گسترده نداشتند. نگهداری و چرا گله‌ها در عمل بیشتر توسط کودکان پسر و دختر با نظارت شماری از بزرگسالان قبیله انجام می‌گردد. در نتیجه، با رشد جمعیت، مازاد آن نمی‌توانست توسط خود این جوامع جذب و به کار گرفته شود. به همین دلیل ساختاری است که جمعیت مازاد جوامع کوچ‌نشین به منزله کارگر، جنگجو و یا ترکیبی از هر دو، جذب شهرها و مناطق وسیع کشاورزی می‌شدند. در دوره اور III جمعیت کوهستانی عیلام به منزله کارگر و مزدور نظامی در مناطق جنوبی بین‌النهرین و بی‌شک در شوشان، حضور داشت و بخشی از ساکنان این سرزمین‌ها را تشکیل می‌داد.

پیشینه تحقیق

بزها همراه با گوسفندان خویشاوندان نزدیک خود، از دیرباز به عنوان اولین گونه‌های اهلی شده دام شناخته می‌شدند. که به دست انسان اهلی شده برهمن اساس پژوهش‌هایی در رابطه با نخستین بز یا بزهای اهلی انجام شده است در کتاب ملک شه‌میرزادی (1375) «باستان‌شناسی و هنر پیش از تاریخ ایران» به اهلی‌سازی بز در محوطه‌های پیش از تاریخ در شمال و غرب ایران اشاره شده است، در کتاب جیمز فریزر (1382) «شاخه زرین، پژوهشی در جادو دین» به بز به عنوان نمادی از روح غله که در فرهنگ‌های متخلف تجلی می‌یابد اشاره شده است، در مقاله ابراهیمی‌پور فرسنگی (1390) «بازتاب باورهای مرتبط با آب در آثار هنری ایلامیان» به بز به عنوان جانوری ترکیبی با ایزدان و جانوران دیگر که بر روی مهرها تجلی یافته، اشاره شده است، در مقاله بهروزی و همکاران (1399) «منشاء یابی و سیر تحول نقوش اسفنگس و موجودات ترکیبی انسانی- حیوانی روی مهرهای عیلام باستان» به بز که روی مهرها به تصویر کشیده شده اشاره شده، در مقاله فتحی و سپیده‌نامه «تداوم سنتی نماد شاخ بزکوهی در معماری آغاز ایلامی تا عصر حاضر» به بز اشاره شده است، در مقاله معصومی (1349) «نقش بز کوهی بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران» به نقش بز که بر روی سفال‌ها به تصویر کشیده شده اشاره شده است، در مقاله فلکی و همکاران (1398) «مطالعه و شناخت نقوش حیوانی مهرهای مشبک جنوب شرق ایران» به بز که نقش آن بر روی مهرها به تصویر کشیده شده اشاره شده است در مقاله‌ای که دالی و همکاران [1] (2021) «گله و شکار ژنوم بز از سپیده دم اهلی شدن در رشته کوه‌های زاگرس» به بز و خاستگاه اهلی‌سازی آن اشاره شده است، در مقاله زدر [2] (2006) «ارزیابی انتقادی نشانگرهای اهلی شدن اولیه در بز» به اهلی شدن اولیه بزها پرداخته است، در مقاله لویکارت و همکاران [3] (2006) خاستگاه و انتشار بزهای خانگی استنباط شده از نشانگرهای NA نمونه تجزیه و تحلیل mtDNA، کروموزوم Y و ریزماهورها به خاستگاه و انتشار بزهای اهلی پرداخته شده است.

[1] Daly et al

[2] Zeder

[3] Luikart et al

روش تحقیق

روش پژوهش، مبتنی بر استفاده از داده‌های آماری، کمی و توصیفی تحلیلی به همراه استناد به منابع کتابخانه‌ای است.

اهلی‌سازی

دانشمندان اهلی‌سازی را چنین تعریف می‌کنند: دستکاری هدفمند در گیاهان و حیوانات به نحوی که باعث تغییرات ژنتیکی و ظاهری در آنان گردد. به عبارت دیگر به لحاظ رفتاری از اجداد وحشی خود متفاوت هستند. اهلی‌سازی پدیده‌های یک شبه نبود؛ گرچه ظهور آن نسبتاً سریع بود، اما به وجود آمدن نخستین فرهنگ‌های نوسنگی و انتقال از غذا به کشاورزی به معنای واقعی در حدود ۳۰۰۰ سال طول کشید. تغییرات ژنتیکی و ظاهری که در طی اهلی‌سازی ظاهر گشته، با دخالت انسان شدیدتر شده اند، زیرا مردمان نوسنگی با برگزیدن تغییرات مفید پدید آمده گیاهان و حیوانات و انتخاب آنها برای تولیدمثل بیشتر از طریق پرورش انتخابی، به این تغییرات دامن زده‌اند یکی از یافته‌های تقریباً مشترک از میان مکان‌های باستانی، بقایای استخوانی حیواناتی است که در رژیم غذایی انسان‌های آن دوره جای داشته. تقریباً از حدود ۱۰۰۰۰ ق.م انقلابی بزرگ در خاورمیانه، از هلال حاصلخیزی در ترکیه و عراق تا ایران و در سواحل دجله و فرات صورت گرفت. انقلاب تولید غذا؛ با اهلی‌سازی گیاه و حیوان که بستر اصلی این انقلاب محسوب می‌شده در عصر نوسنگی به وقوع پیوسته است (احمد صفاری، ۱۳۹۴: ۵۶).

انگیزه‌های اهلی‌سازی

برخی پژوهشگران دگرگونی‌های آب و هوایی (به ویژه دوران یخبندان دریا س جوان) به عنوان برجسته‌ترین انگیزه در سرآغاز اهلی‌سازی در آغاز دوران هولوسن بیان نموده‌اند. پس در این باره، نکته دارای اهمیت این است که آب و هوای مناسب از عصر یخبندان، بیشتر نیز چندین بار در دوره زمانی پارینه سنگی جدید پدیدار گشته بود؛ ولی اهلی‌سازی در آن دوره‌ها به وقوع نپیوست. تنها در بازه زمانی آغاز هولوسن، همگی مؤلفه‌های بایسته گرد هم آمدند و اهلی‌سازی آن هم نه به یکباره چه بسا در یک بازه زمانی چند هزارساله در نقاط گوناگون جهان رخداد. شواهد گیاه‌باستان‌شناسی و جانورباستان‌شناسی نشان داده‌اند که گندم، جو، یز و گوسفند که به عنوان چهار گونه بنیادین در اهلی‌سازی شهره هستند برای نخستین بار در پیرامون ۱۱۵۰۰ سال پیش (شاید هم کمی قدیمی‌تر) در نقاط مختلف هلال حاصلخیز آن هم به دفعات مورد اهلی‌سازی قرار گرفته است از سویی دیگر، پژوهش‌های ژنتیکی فراوان انجام شده درباره سرآغاز این چهار گونه در دو دهه اخیر، همگی گویای آن است که نیای همه گونه‌های امروزین گندم و جوی اهلی، وابسته به شمال هلال حاصلخیز و جنوب شرق ترکیه بوده است و همچنین همگی گونه‌های بز اهلی در فلات ایران ریشه‌ای در جنوب کوهستان توروس و شمال غرب زاگرس دارند. این پژوهش‌ها همچنین به روشنی نشان داده‌اند که هیچ گونه اهلی‌سازی بز در بخش‌های شرقی فلات مرکزی رخ نداده است و بیشتر گونه‌های موجود در فلات مرکزی از بازماندگان بزهای اهلی شده در زاگرس هستند درباره گندم و جو، پژوهش‌های باستان‌شناختی و همچنین ژنتیک نشان داده‌اند که حضور گونه‌های اهلی این گیاهان همچون موجی پیش رونده از هلال حاصلخیز به سوی اروپای غربی و سرانجام اسکانديناوی صورت گرفته است. این امر درباره گوسفند، بز، گاو و خوک نیز به اثبات رسیده است (وحدتی نسب، ۱۳۵: 1387).

موقعیت جغرافیایی رویدادهای اهلی‌سازی را میتوان از الگوهای جغرافیایی توزیع تنوع ژنتیکی استنباط کرد. به عنوان مثال، انتظار می‌رود سطوح تنوع مولکولی در نژادهای اهلی در نزدیکی مرکز مبدأ بالاتر باشد، با این فرض که پراکندگی دور از مرکز منجر به از بین رفتن تنوع ژنتیکی به دلیل اثرات مکرر پایه‌گذار می‌شود (لوفتوس و همکاران، ۱۹۹۹). با این حال، در بزها، تغییرات mtDNA ظاهراً در منطقه هلال بارور در مقایسه با سایر مناطق قاره‌ای بیشتر نیست؛ به عنوان مثال، تنوع mtDNA [1] (میانگین تعداد تغییرات پایه بین دو دنباله) در خاور نزدیک، اروپا و آسیا تقریباً برابر است، 10 تفاوت جفت باز (یعنی جایگزینی). در جریان اهلی‌سازی دو عامل اصلی و مهم نقش داشته؛ ۱- نگهداری از حیوانات ۲- پرورش حیوانات

[1]- گونه‌ای DNA است که در میتوکندری سلول‌های یوکاریوتی یافت می‌شود.





در جریان نگهداری از حیوانات که شکل ابتدایی گله‌داری است، حیوانات ماده به منظور تولید نسل حفظ می‌شوند و نرها به منظور تولید گوشت و پشم ذبح می‌شوند، ولی در مرحله بعد یعنی پرورش؛ حیوانات نر به صورت گزینشی انتخاب می‌شوند و ۱۰ درصد از نرها در مقایسه با ۲۰ درصد از ماده‌ها زنده نگه داشته می‌شدند، اولین شواهد مربوط به اهلی‌سازی از حدود ۱۰۰۰۰ سال ق.م. برمی‌گردد (احمد صفاری، ۱۳۹۴: ۵۶). از جمله دلایل اهلی‌سازی نیاز انسان‌ها به تأمین مواد غذایی و همچنین در دسترس بودن حیوانی است که شرایط اهلی‌سازی را داشته باشد، که بز این ویژگی اهلی‌سازی را داشته است.

اهلی‌سازی بز

ژنوم میتوکندری تنها از طریق مادر به ارث می‌رسد و به علت فقدان روش بازخوانی DNA، مقدار جهش [1] در آن ده برابر DNA هسته‌ای است. این ویژگی‌ها به شناسایی و تشخیص منشأ یک نسل بسیار کمک کرده و ژنوم میتوکندری را به نشانگر مناسبی برای پژوهش‌های تکامل نژادی مبدل کرده است. یکی از قسمت‌های مهم این ژنوم، منطقه فوق متغیر (HVS[2]) که بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه خاستگاه احشام (به ویژه بز) بر روی این قسمت از ژنوم میتوکندری تمرکز داشته‌اند (حاجی مزدارانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۶). DNA را می‌توان از هر ماده بافتی از جمله کبد، ماهیچه، پوست، خون، سلول‌های باکال، شاخ، استخوان، مو، شیر به دست آورد (Luikart and all, 2006). برای بررسی اثر ژنومی مدیریت اولیه و پیامدهای آن برای فرآیند اهلی‌سازی بز، ما 14 ژنوم هسته‌ای جدید (میانگین پوشش 1.13X) و 32 ژنوم میتوکندری (mtDNA) (میانگین پوشش 143X) از دو محوطه گنج-دره و تپه عبدالحسین مورد تجزیه و تحلیل صورت گرفته است، که این ژنوم‌ها دو خوشه مجزا را نشان می‌دهند: آنهایی که میل جنسی خانگی دارند و گروهی اقلیت با میل وحشی قوی‌تر، که نشان می‌دهد بزهای مدیریت شده از نظر ژنتیکی از بزهای وحشی در این افق اولیه متمایز بودند (Kevin G. Daly and et all, 2021).

به احتمال زیاد خاستگاه بزهای اهلی دوره نوسنگی دشت‌های کاشان و قزوین جنوب شرق ترکیه است. به این ترتیب، می‌توان گفت که بزهای مورد بهره‌برداری جوامع انسانی این دو دشت در حدود ۷۵۰۰ سال پیش از نسل بزهایی بوده‌اند که در حدود ده هزار سال پیش در جنوب شرق ترکیه اهلی شده بودند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد ارتباطات سازمان یافته، اما نامرئی میان جوامع انسانی دوره نوسنگی در منطقه خاورمیانه و شاید هم مناطق فراتر از آن وجود داشته است؛ به نحوی که محصولات (بزهای اهلی) که در ده هزار سال پیش در جنوب شرق ترکیه به بهره‌برداری رسیده بودند، طی کمتر از ۲۵۰۰ سال به مناطق داخلی فلات ایران (فاصله‌ای بیش از ۷۰۰ کیلومتر) رسیدند و جوامع ساکن در این مناطق از آن‌ها بهره‌برداری کردند (حسین زاده ساداتی، ۱۳۹۳: ۳۹-۴۰). بز اهلی به گونه وحشی زاگرس و قفقاز خیلی نزدیک‌تر از گونه گوسفندی است و بی‌تردید منشأ خود را از آن می‌گیرد. نوع دیگری از بزکوهی به نام مارخور نیز می‌توانسته منشأ بعضی از گونه‌های شرقی بز باشد. شاید مسیر گسترش بز که در اوایل هزاره هفتم پ.م. در کوهپایه‌های زاگرس ایران اهلی شده قابل مقایسه با مسیر گسترش گوسفند باشد و اهلی کردن منجر به تغییر شکل شاخ در این بزها شده است. به طوری که از شعبه‌های اجدادی آن‌ها با شاخ‌های شمشیری سه شعبه متفاوت از هم جدا شده و گسترش یافته است. با اینکه بزهای اروپایی و بزهای کوتاه قد حاره‌ای، کم و بیش شکل اولیه شاخ‌های خود را حفظ کرده‌اند، بزهای آسیایی شاخ‌های پیچیده مشابه به طرف درون و بزهای آفریقایی شاخ‌های پیچیده متفاوت به طرف بیرون دارند. با این همه بز به دلیل ضعیف‌ترین قابلیت تغییر شکل، در جایگاه‌های طبیعی خشک یا کوهستانی بیشتر از گوسفند باقی مانده است (پییر دیگار، ۱۳۸۵: ۱۷۷). مطالعات ژنتیکی اثبات کرده است بز وحشی کاپرا ایگگوس [3] نزدیک‌ترین و قوی‌ترین نماینده ژنتیکی، به عنوان اجداد بز اهلی امروزی است (حاجی مزدارانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۰).

1] Mutation

[2]- سندرم هایپرونتیلیشن، سندرم بیش فعالی تنفس.

[3]Capa aegagrus

در کلید استنتاج ارائه شده توسط تمپلتون (1998)، دلایل مختلفی برای جدایی کلادها از یکدیگر بیان شده است که در مورد گونه مورد مطالعه چندین مورد از این دلایل برای کلادبندی انجام شده با الگوی فیلوجغرافیایی کل و بز در ایران مطابقت داشت. الگوی "بسط محدوده به هم پیوسته" بر این فرض استوار است که بسط جمعیت ناشی از پراکنش کم افراد است، این مدل بسط محدود در همه سطح های آشیانه‌بندی دیده می‌شود و عامل جدایی کلادها معرفی شده است. مدل دیگری که در روش آنالیزهای فیلوژئوگرافی دیده می‌شود، محدودیت جریان ژن است که در کلاد 3-6 دیده می‌شود. جدایی دگرجایی قدیمی‌ترین مدلی است که در این روش در نظر گرفته شده است یک مانع فیزیکی و جغرافیایی سبب جدا شدن جمعیت می‌شود ایجاد این کلاد کوچک شده است (قوامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۹).

اینک روشن شده است که اجداد بز اهلی نوعی بز آسیایی با نام علمی کاپرا هیرکائوس اچیرجوس بود. قدیمی‌ترین نمونه از بقایای استخوانی بز اهلی شده در ایران مابین بقایای غار کمر بند در کنار دریای خزر و تپه سراب در غرب ایران نزدیک کرمانشاه ملاحظه شد. به نظر می‌رسد که بز توسط ساکنان اولیه تپه گوران نیز پرورش می‌شد. در دوره بزمرد نیز بز همراه گوسفند نگهداری می‌شد. در تپه گنج دره اثر سم بز اهلی روی خشت‌های ساختمان‌های طبقه استقرار D باقی مانده است (تصویر 1) (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۵: 122). علاوه بر جمع‌آوری و دروی غلات کشت شده در اواخر زمستان و اوایل بهار مردم دوره بز مرده گله‌دار نیز بودند و رمه‌های بز را نگهداری می‌کردند که این حیوان در اصل بومی منطقه جبل حمرین و کوه سیاه بود و در این دشت فقط از مراتع طبیعی استفاده می‌کرد بیشتر بزهایی که به مصرف غذایی می‌رسیدند، جوان سال بودند و به نظر می‌رسد که فقط یک سوم رمه به سه سالگی می‌رسیدند و کشتن بزهای نر بیشتر رواج داشت. اهالی بز مرده گوسفند نیز نگهداری می‌کردند ولی به نسبت بسیار کمتری در مقایسه با بز (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۵: ۱۳۰). پیکرک‌های گلی بسیار زیادی بدست آمدند در میان این پیکرک‌ها اشکال بز و گوسفند به خوبی قابل تمیز هستند. تعدادی پیکرک انسان نیز بدست آمده که از نظر اقتصادی به نظر می‌رسد ساکنان گنج دره بز را اهلی کرده بودند، روی بعضی خشت‌ها اثر ردپای بز وجود داشت که در اثر آتش سوزی بزرگ که در زمان استقرار طبقه D رخ داد این خشت‌ها پخته شدند و به صورت آجر درآمدند و ردپای بزهای روی آن‌ها کاملاً ثابت شد (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۵: ۱۴۵).

اهمیت بز در مواد فرهنگی

شکار بزکوهی در ایران سابقه طولانی دارد و از دوران پیش از تاریخ ساکنان این سرزمین به عنوان یکی از منابع تأمین معاش از آن استفاده می‌نمودند. طبق مدارک مکشوفه، شکار بزکوهی در ادوار قبل به سبب اعتقادات موجود که آن را مظهر فراوانی می‌دانستند، به وسیله اله‌ها صورت پذیرفته است (آمیه، ۱۳۷۲: ۳۶). بز به خصوص بزکوهی از جانوران ملی ایران است که تصویر آن به شکل واقعگرایانه، انتزاعی و نمادین بر بسیاری از اشیاء ما قبل تاریخی اعم از ظروف سفالی، سنگی و بر روی مهرها نقش شده است. در شوش و ایلام بزکوهی مظهر فراوانی و رب‌النوع روییدنی‌ها خوانده می‌شود (معصومی، ۱۳۴۹: ۱۸۳). معانی نمادین آن، چالاک، گرما، نیروی زاد و ولد انس‌گیری و زمستان است. اصل مذکر و نماد قدرت تولید و حرارت خورشید، یکی از حیوانات حاکم بر آسمان‌ها و در منطقه البروج یکی از صورت‌های فلکی در آسمان شمالی که بز شاخدار نیز نامیده می‌شود (جایز، ۱۳۷۰: ۲۳). این حیوان روزگاری به عنوان تجسم باروری انسان‌ها و گله‌های گاو پرستیده می‌شد و با خدای حاصلخیزی سومری به نام تموز و نینگی‌رسو، یکسان به شمار می‌آمد (هال، ۱۳۸۰: ۳۵).

هر قوم باستانی بزکوهی را مظهر یکی از عوامل طبیعی سودبخش می‌دانسته، به عنوان مثال در لرستان بز حیوان خورشید و وابسته به خورشید بود و گاهی نیز مظهری از فرشته باران بود، زیرا از ادوار کهن ماه با باران و خورشید با خشکی و گرما رابطه داشته است و چون میان شاخ‌های خمیده بزکوهی و هلال ماه نیز رابطه‌ای وجود دارد از این رو مردم باستان عقیده داشتند که شاخ‌های پرپیچ و خم بزکوهی در نزول باران مؤثر بودند، شاخ‌ها نیز بدون تناسب و پهن و بزرگ گردیده، که بعدها فقط به نمایش شاخ بز پرداخته شد، به این صورت که دایره‌های بزرگ طرح می‌نمودند. باید گفت که بزکوهی نیاز به گیاه دارد و کوه منبع رستنی‌هاست. هرگاه بز کوهی با آن چابکی خاص خود دیده شود، نشان از آب و گیاه می‌دهد.



بزکوهی مظهر فراوانی و ربالنوع روییدنی‌ها و در شاخ آن قدرتی جادویی پنهان بود. به همین مناسبت در دوره خاص فقط شاخ بز کوهی به عنوان سمبل روی ظرف دیده می‌شود (فتحی و سپیده‌نامه، ۱۳۹۸: ۱۹۷۳).

نقش بزکوهی نشان دهنده اهمیت فوق‌العاده این حیوان و همچنین جایگاه مهم آن در باور و اساطیر مردمان گذشته بوده است. البته این حیوان را شاید بتوان با توجه به اسناد و مدارک موجود از قدیمی‌ترین نمادهای شناخته شده در تاریخ بشری نیز در نظر گرفت. در ایران باستان تصویر این حیوان را در قالب‌های مختلف (مجسمه، نقاشی و کنده‌کاری) از اوایل دوران نوسنگی تا امروز را می‌توان مشاهده کرد. نقش این حیوان علاوه بر صخره‌های مناطق مختلف و دیواره‌ی غارها، بر ظروف سفالی به صورت نقاشی (سیلک، شوش، اسماعیل آباد و ...) و حتی در قالب مجسمه از استقرارهای عصر نوسنگی نیز بدست آمده است (گنج دره، آسیاب، سراب و ...) و بر روی مهرها نیز تصویر شده است. بز در اساطیر باستان نماد آبادانی و فراوانی و هم چنین نماد آب و ماه هم هست. نقش این حیوان را، علاوه بر بقایای آثار پیش از تاریخ، بر آثار دوران ماد و هخامنشی و حتی مفرغ‌های هزاره‌های اول ق.م. و بالاخره پیشرفته‌ترین شکل آن روی مهرها و ظروف دوره ساسانی می‌توان مشاهده کرد. در این دوره بز نگهبان ماه در نظر گرفته شده است.

در متون میخی اطلاعات ارزشمندی درباره سنت‌های خاورمیانه و به خصوص جایگاه نمادین حیوانات دیده می‌شود. در بین‌النهرین بز نماد (انکی) خدای آب‌ها بوده است و همچنین میترا را با تصویر یک جفت گاو نر و نقش بزکوهی نمایش داده‌اند. نقوش بزکوهی در بعضی از کتیبه‌ها نشان از تقدس داشته در بعضی روستاهای ایران هم اکنون نیز عقیده و باور دارند و نسلهای بعدی که از کنار آنها گذر می‌کرده‌اند کنار یا روی نقش‌های قبلی نقش بز کوهی جدید حک کرده‌اند. سفال‌های کشف شده در محوطه و سنگ نگاره‌ها هم تصویر بز کوهی سمبلیک شاخ بلند آن به دمش رسیده را دارند، همه این ارتباطات قابل تعمیم و معنادار هستند. نکته قابل توجه این که 90% سنگ نگاره‌های ایران متشکل از نقوش بزکوهی سمبلیک می‌باشند که نشان از زیستگاه دوره‌های خاص خود دارند. این حیوان قوی از دیرباز مرکز قدرت به شمار می‌رفت و همواره حیوان جلودار رمه بوده به همین سبب مأنوس و مهم به شمار می‌رفته است. به عموم از فرمانروایی خورشید بزکوهی حیوان خورشید نام گرفت و علامتی شبیه ستاره چند پر که به اصطلاح «لوتوس» گویند؛ در بین شاخ‌های این حیوان بر سفالینه‌ها رسم شده است (صفاران و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶). در آثار معماری دوران نوسنگی بدون سفال محوطه شیخی‌آباد، چهار جفت جمجمه، شاخ و فک فوقانی بزکوهی و یک جمجمه و شاخ گوسفند وحشی به شکل بسیار دقیقی در کف ساختمان شماره دو قرار داشته است که شاخ برخی از آنها نزدیک به یک متر بوده است، لازم به ذکر است که ساختمان مذکور فاقد در ورودی است (تصویر 1؛ محمدی فر، 1390: 5 - 6).

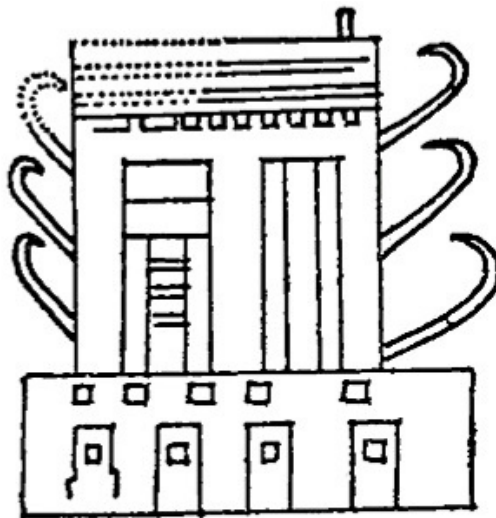


تصویر 1: شاخ‌های پیدا شده در محوطه شیخی‌آباد (فتحی و سپیده‌نامه، 1398: 1971).



بز کوهی در تمدن ایلام نیز کارکرد مذهبی داشته است بطوری که قرار داشتن بزهای کوهی در دو سوی درختی که مظهر زندگی و حیات به شمار می‌رود اشاره به همین موضوع دارد. گواه این امر، اثر مهری مربوط به هزاره سوم ق.م. مکشوفه از شوش است که بزکوهی را در دو طرف درخت زندگی نشان می‌دهد (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۲۸۱). در همین راستا می‌توان به یک مهر که متعلق به هزاره سوم ق.م. است، اشاره نمود که معبدی در عیلام قدیم را نشان می‌دهد، که به صورت یک بنای مربع مستطیل مرتفع بر یک شالوده ایواندار به تصویر کشیده شده است. جالبترین ویژگی این معبد سه شاخ بزرگ است که در هر طرف دیوارهای معبد نصب شده است (تصویر 2).

سنگ نبشته‌های عیلام میانه ثابت می‌کند که این شاخ‌ها به عنوان نماد الوهیت جزء مهمی از هر معبد بوده است چنان که شاه شیلهاک اینشوشیناک در قرن دوازدهم افتخار کرده است که، بیست معبد شاخی را حفظ و دوباره سازی کرده است. پانصد سال بعد آشوریانیپال با افتخار به ما اعلام می‌کند، که در جریان فتح شوش، شاخ‌های برنزی ریخته‌گری شده را از زیگورات برکنده است، که یکی از کنده-کاری‌های قصر سلطنتی اور در نینوا (موصل امروزی) معبد مرتفع همین زیگورات را در شوش با دو ردیف شاخ بسیار بزرگ در قسمت جلویی آن به تصویر می‌کشد. در خصوص الهام‌گیری از شاخ به عنوان نماد قدرت باید یادآور شد که، هنگام حرکت یک گله بز کوهی در طبیعت، طبق نظم خاصی حرکت می‌کنند و یک بز نر قوی هیکل با شاخ‌های بلند که معمولاً تنها بز نر گله هست و به "جلور" و "سرتوال" مشهور است رهبری گله را بر عهده می‌گیرد و در جلوی دام حرکت می‌کند و هرگاه بایستد گله نیز متوقف می‌شود. همین مساله مایه الگوبرداری برای انسان بوده است و شخص اول روستا که همه تابع او هستند با نصب شاخ‌های یک بز نرکوهی خود را صاحب قدرت معرفی می‌کند. اشاره یکی از افراد این روستا به ضرب المثل "شاخ کسی را شکستن"، تاحدودی بیانگر مفهوم خان‌نشینی و قدرت است که شاخ به نماد آن یعنی "قدرت او را در هم شکستن" تبدیل شده است (فتحی و سپیده‌نامه، ۱۳۸۹: ۱۹۷۴).

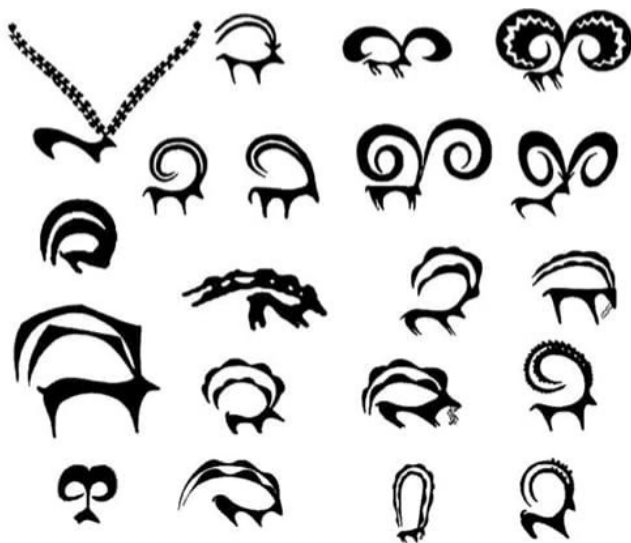


تصویر 2: تصویر بازسازی شده از معبد عیلامی از روی مهر (هینتس، 1371: 65).



اهمیت مذهبی بز در غرب ایران

اهلی کردن بز منشأ تحولات بسیاری بوده برای همین نقش آن بر روی مهرها، سفالها، نقاشی غارها و ... جلوه گر شده است. بر روی مهرهای به دست آمده از شوش نقش بز را داریم. بر روی سفالینه‌ها نقش آن کشیده شده (نمونه ظرف مکشوف در تل باکون تخت جمشید هزاره چهارم ق.م) کوزه سفالی بزرگ شبیه خمه نخودی رنگ که دارای کردن کوتاه لبه به خارج برگشته است. زیر گردن و روی بدنه آن با سه حاشیه افقی و قسمت پایین کوزه با دو حاشیه پهن افقی مزین است و در فاصله بین این حاشیه‌ها از سه طرف نقش سه بزکوهی قرار گرفته است و هنرمند در ترسیم شاخ بزها تا آن اندازه زیاده روی کرده که شاخ‌ها تمام سطح ظرف را فرا گرفته است (تصویر3؛ معصومی، ۱۳۴۹: ۲۰۹).



تصویر 3: نقوش حک شده بر روی ظروف محوطه تل باکون (دادور و همکاران، 1393: 8).

نقوش حک شده بر روی ظروف تل باکون در اثر مهری مشکوفه از شوش که قسمت بلایی آن از بین رفته ولی با توجه به سایر عناصر می‌توان آن را تفسیر نمود. فردی که بر روی حیوانی شاخدار نشسته است و دو پای خود را بر روی یک بز - ماهی گذاشته است در مقابل آن فردی ایستاده و دستانش را برای نگاه داشتن شی احتمالا آئینی که پیشکشی به درگاه او می‌باشد، بالا آورده است (تصویر 4؛ ابراهیمی پور فرسنگی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۰).



تصویر 4: اثر مهر مشکوفه از شوش با نقش بز ماهی (ابراهیمی پور فرسنگی و همکاران، ۱۳۹۰: 91).

از شوش سنگ نگارهای با تزئین یز-ماهی به دست آمده که این موجودات پشت به هم با سر بز و دم ماهی نقش شده‌اند که نشانه‌ایی از قلمروی خدای آآمی باشد (تصویر 5؛ همان: 91).



تصویر 5: حوض آئینی با نقش یز-ماهی، دوره عیلام میانه (ابراهیمی پور فرسنگی و همکاران، 1390: 91).

در اثر مهر مشکوفه از شوش بزهای کوهی در دوطرف درختی که مظهر زندگی و حیات است نشان داده شده‌اند (تصویر 6؛ فتحی و سپیده‌نامه، 1398، 1970).



تصویر 6: اثر مهر مشکوفه از شوش، دوره عیلام قدیم (فتحی و سپیده‌نامه، 1398: 1972).

روی مهر و اثر مهری که از تپه ملیان کشف شده، نقش بز کوهی که در حالت‌های مختلف نقش شده به دست آمده است (تصویر 7؛ همان: 1975).



تصویر 7: مهر و اثر مهر مشکوفه از تپه ملیان، دوره آغاز عیلامی (فتحی و سپیده‌نامه، 1398: 1976).

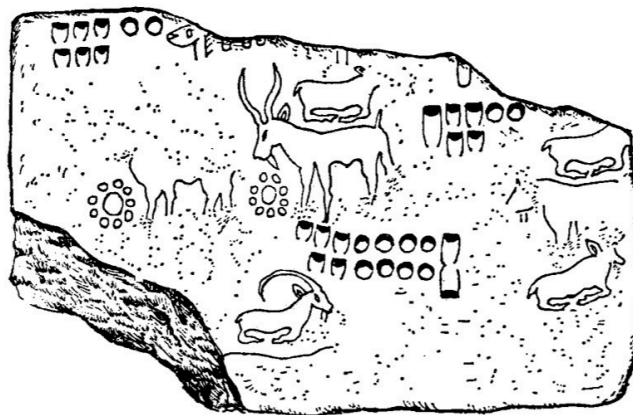
یک حلقه افسار با دو بز در دو سوی یک درخت ایستاده‌اند که این حلقه روی یک مهر استوانه‌ای پیدا شده نیز حک شده که مربوط می‌شود به دوران ایلام میانه (Porada, 1970: 79).

در سنگ نگاره‌ها نیز تصویر بز حک شده مانند نقش کنده‌های تیمره، میرملاس و هومیان که تصویر بز در حال فرار، شکار، پرورش و ... را داریم. بر روی سفالینه‌های پیش از تاریخ تا عصر حاضر نقش بز همراه با سایر عناصر طبیعت کشیده شده مانند: جام معروف شوش با نقش بز که دارای شاخ‌های بزرگی است (تصویر 8).



تصویر 8: نقش بز بر روی جام معروف شوش (فتحی و سپیده‌نامه، ۱۳۹۸: ۱۹۷۲).

لوحی گلی از شوش به دست آمده که نشانه‌های خط بر روی آن هست به این صورت که بزهایی به تصویر کشیده شده‌اند و در پشت لوح تعداد بزها را نکشته‌اند که شاید این لوح برای معامله و تجارت بوده است (تصویر 9: هینتس، ۱۳۷۱: ۳۵).



تصویر 9: لوح گلی مکشوفه از شوش (هینتس، ۱۳۷۱: ۳۵).

همچنین در میان آثار یافت شده از غار کلماکره لرستان پیکره مفرغی بز نیز پیدا شده است.



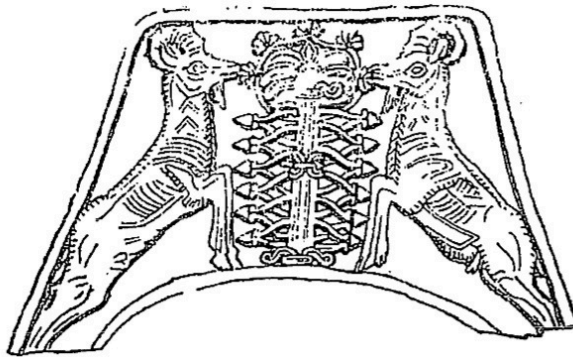
اهمیت مذهبی بز در غرب ایران

شواهد باستان‌شناسی از رشته‌کوه‌های زاگرس در غرب ایران نشان می‌دهد که بزها در اواخر هزاره نهم/اوایل هزاره هشتم اداره می‌شدند. ژنومهای هسته‌ای و میتوکندریایی نشان می‌دهد که این بزها از نظر ژنتیکی متنوع و اجدادی به بزهای اهلی بعدی بوده و قبلاً از بزهای وحشی متمایز شده‌اند. در تپه گنجدره اثر سم بز اهلی بر روی خشت‌های طبقه استقرار D به دست آمده است (Daly et al, 2021: 2)



تصویر 10: اثر سم بز بر روی خشت‌های طبقه D تپه گنجدره (Daly et al, 2021: 2).

در گنجینه زیویه یک پلاک که از عاج ساخته شده با دو بز در دو سوی یک درخت مربوط به هزاره هفتم ق.م. (تصویر 11؛ پرادا، 1383، 181).



تصویر 11: پلاک ساخته شده از عاج با نقش دو بز کوهی در دو طرف یک درخت مقدس (پرادا، 1383، 181).

نتیجه گیری

با توجه به شرایط زیست محیطی غرب و جنوب غرب ایران در بازه زمانی اوایل دوران نوسنگی و آغاز روستائیشینی همزمان با دوره زمین‌شناسی هلوسن اهلی‌سازی در این دو ناحیه شکل گرفت. اگرچه اهلی‌سازی در نقاط مختلف جهان با توجه به شرایط جغرافیایی و زیست‌بوم در تاریخ‌های مختلفی پدید آمده است. چنانچه آشکار است که اهلی‌سازی یک پدیده است، که مجموعه از شرایط موجب شکل گرفتن آن می‌شوند. در واقع انسان‌ها از زمانی که شروع به اهلی‌سازی حیوانات کردند متوجه تفاوت برخی حیوانات نسبت به بقیه شدند و همین امر باعث شد که به بز بیشتر توجه کنند، حال در این میان اهلی‌سازی بز به مانند حیوانات دیگر دشوار اما ارزشمند بود. مردمانی که در غرب و جنوب غرب ایران زیست می‌کردند علاوه بر توجه به ارزش بز به عنوان یک منبع تأمین مواد غذایی به ارزش معنوی آن نیز توجه کردند و در معماری، هنر، سفالگری، نقاشی تصویر بز را کشیدند، آنچه برای مردمان این دو نواحی اهمیت داشت بز بود که برای آن تقدس قائل بودند، در برخی نواحی هنوز از تصویر بز بر روی آثار و اشیاء و حتی شاخ بز بر روی معماری خانه‌ها یا امکان مقدس استفاده می‌کنند، بهره‌گیری از بز دارای جنبه‌های افسانه‌ای، مذهبی و آئینی است، در طول تاریخ باورهای انسان باعث بروز رفتارهایش بوده است، همین امر باعث شده که به بز یک قدرت جادویی بدهند و نقش آن را بر روی آثار خود نمایان کنند. در مهرهای عیلام هزاره سوم ق.م. نقش بز را در صحنه‌های مختلف به تصویر کشیدند، برای انسانهای هزاره سوم ق.م. درخت نماد زندگی و بز نماد رشد بود. اهلی‌سازی بز و گوسفند باعث پیشرفت در دامداری شد و بز در جریان اهلی‌سازی دچار تغییر و تحولات گسترده گردد، همانند تغییر در شاخ، شکل، شیردهی و مو. با توجه به اینکه در غرب و جنوب غرب هوا در زمستان‌ها سرد و تابستان گرم و خشک است مقاومت بدنی بز نسبت به گوسفند بیشتر است. همچنین ایرانیان باستان به قدرت جادویی که بز دارد اعتقاد داشتند به صورتی که در اشیاء غار کلاماگره تصویر بز بر روی اشیاء قابل مشاهده است، در دوره عیلام قدیم تصویر مهرهایی وجود دارد، که نقش بز یا شاخ آن بر روی آن‌ها حک شده و این نشان از قدرت و الوهیت بز در نظر آنان داشته است. در غرب ایران نیز سر بزهایی را در زیر کف یک ساختمان که به احتمال معبد بوده پیدا کرده‌اند، که این نشان دهنده اهمیت بز و قدرت جادویی است که برای آن در نظر داشته‌اند.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از خانم پریا ملاحسینی که بنده را در انجام این پژوهش یاری کردند، صمیمانه تشکر و سپاس‌گزاری می‌کنم.



- احمد صفاری، شیما. (۱۳۹۴). بررسی الگوهای معیشتی ایران و بین النهرین در دوران نوسنگی، مجله علمی تخصصی باستان شناسی، شماره اول.
- آمیه، پیر (۱۳۷۲). تاریخ عیلام. ترجمه شیرین بیانی، تهران: دانشگاه تهران.
- بیغم، مجید؛ نصیری، محمدرضا؛ حیدریور، مهیار؛ جوادمنش، علی. (۱۴۰۱). بررسی ردپای انتخاب و هستی‌شناسی ژن در برخی نژادهای گوسفند اهلی و وحشی در ایران، نشریه علمی پژوهش‌های علوم دامی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.
- پرادا، ادیت. (1383). هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام)، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: دانشگاه تهران.
- پییر دیگار، ژان. (۱۳۸۵). مردم شناسی انسان و حیوان اهلی؛ انسان کدام حیوان را چرا، چگونه، کی و کجا اهلی کرد، اصغر کریمی، تهران: نشر افکار.
- جرج فریزر، جیمز. (۱۳۸۷). شاخه زرین "پژوهشی در جادو و دین"، ترجمه کاظم فیروزمندی، تهران: انتشارات آگاه.
- جایز، گرتروود. (۱۳۷۰). سمبل‌ها، کتاب اول جانوران، ترجمه محمدرضا بقاپور، تهران: انتشارات جهان‌ما.
- حاجی مژدارانی، حصار، مرتضی؛ اکبری، محمدتقی. (۱۳۹۴). اهلی‌سازی کاپراهی‌رکس در زاگرس مرکزی ایران مطالعه ژنتیک- باستان‌شناختی ژنوم میتوکندری بقایای بزسانان محوطه نوسنگی بدون سفال چپاسبز شرقی، استان لرستان، مطالعات باستان‌شناسی، دوره 7، شماره 1: 85.
- حسین زاده ساداتی، جواد؛ فاضلی نشلی، حسن؛ منتظر ظهوری، مصطفی؛ زارع، شهره. (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل دی ان ای باستانی aDNA استخوان بزهای اهلی دوره نوسنگی دشت‌های کاشان و قزوین، رساله دکتری، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- دادور، ابوالقاسم؛ بهمنی، ساره؛ سامانیان، ساسان. (1393). نمادهای انسانی و حیوانی موجود در سفالینه‌های مکشوفه در سه منطقه تل پاکون فارس، تپه سیلک کاشان و تپه گیان نهاوند، دوفصل‌نامه مطالعات تطبیقی هنر، شماره 8، 1-8.
- صفاران، الیاس؛ کامرانی نژادسیرجانی، مریم. (۱۳۹۷). تقابل نقش بزکوهی و درخت بر روی تپه شاه فیروز سیرجان با ظروف سنگ صابونی تمدن جیرفت، دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی؛ سال سوم شماره 4.
- علیزاده، عباس. (۱۳۹۲). آمیزش معیشت‌های متضاد و مکمل کشاورزی و دامداری کوچ‌نشینی در جنوب غربی ایران، باستان‌شناسی ایران شماره ۳.
- فتحی، ذبیح‌الله؛ سپیده‌نامه، حسین. (۱۳۹۸). تداوم سنتی نماد شاخ بز کوهی در معماری آغاز ایلامی تا عصر حاضر (پژوهشی مردم‌شناختی بر نماد شاخ در روستای گرک شهرستان کهگیلویه)، اولین کنفرانس ملی دو سالانه باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران: ۱۹۶۷-۱۹۸۳.
- قوامی، شاهو؛ نادری، سعید؛ ایمانی هرسینی، جلیل؛ رضایی، حمیدرضا. (1396). فیلوژئوگرافی گونه بز وحشی (*Capra aegagrus Erxleben 1777*) در ایران بر اساس DNA میتوکندری، پژوهش‌های جانوری (مجله زیست‌شناسی ایران)، دوره ۳۰، شماره ۲: ۲۰۳-۲۱۳.
- محمدی بدر، نرگس؛ اقدم نورالدینی، یحیی. (۱۳۹۴). کهن الگوی پرورش شخصیت‌های اساطیری توسط حیوانات و موجودات اسطوره‌ای (در حماسه‌ها و روایات ایرانی و غیر ایرانی)، پژوهشنامه ادب حماسی، شماره ۱۹: ۱۷۹-۱۹۶.
- مهرآفرین، رضا. (۱۳۷۵). بررسی نشانه‌های تمدنی نقوش حیوانی بر روی مهرهای استوانه‌ای ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ملک شهمیرزادی، صادق. (۱۳۷۵). مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر پیش از تاریخ ایران: مبانی باستان‌شناسی ایران، بین النهرین، مصر، تهران: نشر مارلیک.
- معصومی، غلامرضا. (۱۳۴۹). «نقش بزکوهی بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال پنجم، شماره ۳، ص: ۱۸۳.
- محمدی فر، یعقوب. (۱۳۷۵). پژوهشی نو در سبک و کاربرد پیکرک‌های انسانی عیلام از آغاز تا ایلام نو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.



- وحدتی نسب، حامد. (1387). تطورفرهنگی جوامع انسانی در پیرامون فلات مرکزی ایران آغاز تا پایان اهلی سازی ها بازگفت انگاره سازش پذیری فرهنگی، باستان پژوهی شماره ۱۷.
- هال، جیمز. (۱۳۸۰). فرهنگ نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
- هول، فرانک. (۱۳۸۷). نوسنگی در ایران، ترجمه امیرساعد موجشی، باستان پژوهی شماره ۱۶.
- هینتس، والتر. (۱۳۷۱). دنیای گمشده عیلام (بازسازی یک تمدن گمشده)، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- Daly, Kevin G. Mattiangeli, Valeria. Hare, Andrew J. Davoudi, Hossein. Fathi, Homa. Beizae Doost, Sanaz. Amiri, Sarieh. Khazaeli, Roya. Decruyenaere, Delphine. Nokandeh, Jebrael. Richter, Tobias. Darabi, Hojjat. Mortensen, Peder. Pantos, Alexis. Yeomans, Lisa. Bangsgaard, Pernille. Mashkour, Marjan. Zeder, Melinda A. Bradley, Daniel G. (2021), Herded and hunted goat genomes from the dawn of domestication in the Zagros Mountains, Proc Natl Acad Sci U S A. 22: 118(25).
- Luikart, G, Fernández, H, Mashkour, "Englande, M.P.R , AND Taberlet, P. 2006 Origins and Diffusion of Domestic Goats Inferred from DNA Markers Example Analyses of mtDNA, Y Chromosome, and Microsatellites.
- Zeder, Melinda, A. (2006). Archaeological Approaches to Documenting Animal Domestication
- Zeder, Melinda. A (2006), A Critical Assessment of Markers of Initial Domestication in Goats (*Capra hircus*), University of California Press, Ltd. London, England.

